

# فرهنگ اقوام ایرانی

فرهنگ در گذشته و حال

در فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو، واژه‌ی culture آمده است:

از ریشه‌ی cultura که در زبان لاتین، معنای مراقبت از گیاهان و در معنای مجازی مراقبت از اندیشه را می‌دهد گرفته شده است.

فرهنگ عبارت است از هر آنچه که در یک جامعه‌ی معین کسب می‌کنیم، می‌آموزیم و می‌توانیم انتقال دهیم

**معادل فرهنگ در زبان های مختلف :**

دوره کلاسیک و شاید پیش از کلاسیک یعنی واژه کالچر culture ادبیات لاتین ریشه میگیرد و در اصل به معنای کشت و کار یا پرورش آمده است و بعدها به معنی پرورش نفس در زبان یونانی معنای پرورش بخود گرفت .

کاربرد این واژه از قرن هیجدهم بطور عام برای نشان دادن تربیت روح بکار گرفته شده است.

زبانهایی مانند پرتغالی ، اسپانیایی ، فرانسوی ، ایتالیایی ، رومانیایی و زبانهای انگلیسی در آغاز واژه CIVILIZATION را که بجای culture بکار بردند منظورشان پیشرفت اجتماعی بود .

مردم شناس انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی بیان می کند وی فرهنگ را اینگونه تعریف می کند که :

فرهنگ یا تمدن کلیات هم تافته و مجموعه پیچیده ای را که شامل دین ، صنایع ، فنون ، هنر ، قانون ، اخلاقیات ، آداب و رسوم و هرگونه استعداد و مهارت تکنیک و فنون است که انسان از طریق عضویت در جامعه کسب می کند و درقبال آن تعهداتی بر عهده می گیرد .

همچنان که می بینید تایلور تعریف حداکثری از فرهنگ ارائه نموده و فرهنگ را همچون اعضای تشکیل دهنده بدن انسان وابسته به هم و در ارتباط با یکدیگر تلقی می کند و باز فرهنگ را مجموعه ای از آداب و رسوم ، اخلاقیات و دانش ها بطور خلاصه مجموعه ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر داند که به تدریج این دستاوردها جزء عادات خوب و یا بد جامعه و هنجارهای آن جامعه شده است.

خواسته باشیم می توانیم بگوییم تایلور فرهنگ را به دو قسمت تقسیم نموده است :

دسته اول(فرهنگ معنوی یا غیر مادی): شامل عناصری همچون اعتقادات ، هنر ، اخلاق ، سنن ، آداب و رسوم و رفتار

دسته دوم(فرهنگ مادی) : شامل صنایع ، فنون ، قوانین ، مقررات

### تعریف فرهنگ از نظر آقای هرسکوویتس

وی از ۲۵۰ تعریف در خصوص فرهنگ در زمان خود یاد کرده و می گوید فرهنگ اساس بنایی است که مبین تمامی باوره ، رفتارها ، دانش ها ، ارزشها و مقصدهایی است که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می کند و سر انجام اینکه فرهنگ عبارتست از هرآنچه یک ملت دارد، آنچه انجام می دهد و آنچه می اندیشد.

ویژگیهای فرهنگ از نظر آقای هرسکوویتس :

- ۱- فرهنگ یک امر اکتسابی است
- ۲- فرهنگ عوامل طبیعی ، روانشناسی و تاریخی زندگی انسان را در برمی گیرد.
- ۳- هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است.
- ۴- فرهنگ دارای جاذبه های متعدد است.
- ۵- فرهنگ در طول زمان تغییر می کند.
- ۶- فرهنگ های مختلف در روی زمین وجود دارند.
- ۷- هر فرهنگ دارای قواعد و اصولی است که تحقیق علمی آنها عملی و میسر است.
- ۸- فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی خود و در عین حال وسیله ای برای ظهور امکانات خلاقه اوست.

تعریف فرهنگ از نظر آقای دکتر محمد صادق غلام جمشیدی

فرهنگ مجموعه ای از سنن ، باورها ، آداب ، اخلاق فردی یا خانوادگی و اقوامی که پایبندی ایشان به امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می شود .

فرهنگ به دو دسته تقسیم می شود :

۱- فرهنگ مادی : به مجموعه پدیده هایی اطلاق می گردد که محسوس ، ملموس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و عملی است مانند فنون ، ابزارهای کاربردی و تولیدی و ماشین و موتور.

۲- فرهنگ غیر مادی : به مجموعه و مسایلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند اعتقادات ، ضوابط خویشاوندی ، هنر ، زبان ، ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهند .

### جنبه های مختلف فرهنگ

فرهنگ دارای سه جنبه : ۱- جنبه شناختی ۲- جنبه فنی و مادی ۳- جنبه سازمانی می باشد .

۱- جنبه شناختی فرهنگ : عبارتست از باور داشت ها ، اسطوره ها ، ارزشها ، ایدئولوژی ها ، رویکردها یا دانش فرهنگ یک جامعه از این وجه شناخته می شود اینها جنبه شناختی یک فرهنگ هستند

۲- جنبه فنی و مادی فرهنگ : عبارتست از مهارتها ، پیشه ها ، ابزارها و خلاصه چیزهای مادی دیگر که اعضای جامعه آن را بکار می برند.

۳- جنبه سازمانی فرهنگ : عبارتست از آداب ، رسوم ، عرف ها ، قوانین ، نقشها که پایگاه های گوناگون یک فرهنگ هم بسته اند و همچنین قوانین و مقررات شیوه و نوع رفتاری که انتظار می رود اعضای جامعه هنگام فعالیت روزانه انجام دهند یا رعایت نکنند جزء جنبه های سازمانی فرهنگ است . تمام این جنبه ها مقداری از جنبه های دیگر را با خود دارند در مسایل فرهنگی مطلق وجود ندارد بلکه همیشه یک ترکیبی وجود دارد ولو به اندازه کم ، همواره به چشم می خورد . بطور مثال در جنبه شناختی ما مقداری با جنبه فنی مواجه هستیم

### انواع فرهنگ

صاحب نظران و فرهنگ شناسان، برای فرهنگ انواع یا سطوح مختلفی را ذکر می کنند و مبانی متفاوتی را برای تقسیم بندی در نظر می گیرند. یکی از تقسیم بندی ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش می باشد. در این تقسیم بندی انواع فرهنگ عبارت است از :

۱- فرهنگ ملی : فرهنگی است که چندین نسل در آن مشترک اند و به عنوان عامل مؤثر در تعیین هویت ملت ها قلمداد می شود.

۲- فرهنگ عمومی: فرهنگی است که وجوه مشترک زیادی با فرهنگ ملی دارد ولی در مظاهر فرهنگی با تغییرات متناسب با شرایط و مقتضیات محیطی همراه است. (به یک معنا فرهنگ عمومی، ظهور و نمود فرهنگ ملی در دوره های زمانی کوتاه مدت و تحت تأثیر شرایط زمانی است. { عموم افراد جامعه در فرهنگ عمومی مشترک اند.

۳- فرهنگ تخصصی: فرهنگ سازمانی: فرهنگی است که اعضای یک سازمان در آن مشترک اند. فرهنگی است که بخشی از افراد یک جامعه براساس حرفه و تخصص و حوزه شغلی خویش در آن مشترک اند.

۴- فرهنگ سازمانی: بی شک دنیای امروز، دنیای سازمان هاست و متولیان این سازمان ها انسانها هستند. به عبارت دیگر، فلسفه وجودی سازمان متکی به حیات انسان است. انسانها در کالبد سازمان ها روح می دمند آن را به حرکت در می آورند و اداره می کنند. سازمانها بدون وجود انسان، نه تنها مفهوم نخواهد داشت، بلکه اداره آنها نیز میسر نخواهد بود. انسان همواره از سازمان به عنوان ابزار و وسیله ای برای نیل به هدف های خود سود جسته است و در تلاش بوده است، تا بر اساس اهداف مورد نظر به ایجاد و گسترش سازمانهای مناسب بپردازد.

رابینز (۱۹۹۰) معتقد است که: { فرهنگ سازمانی عبارت است از ارزشهای غالبی که توسط اکثریت قریب به اتفاق سازمان پذیرفته و حمایت می گردد و عامل انسجام اعضاء و محتوایی درونی آنها می باشد. } مناسب بپردازد.

فرهنگ سازمانی هویت اجتماعی هر سازمان را تشکیل می دهد. گریفین (۱۹۸۹)

## خرده فرهنگ

در اصطلاح دانش مردم شناسی به ارزشها و هنجارهای متفاوت با ارزشها و هنجارهای گروه اکثریت که یک گروه درون جامعه ای بزرگتر داراست.

خرده فرهنگها قابل شناسایی و تغییر هستند و بیشتر به ارزشهای گروه اقلیت اطلاق می شوند

علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروههای مختلف جامعه نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که ریزفرهنگ یا خرده فرهنگ خوانده می شود.

در تعریف خرده فرهنگ گفته اند: «خرده فرهنگ بر دستگامی از ارزشها، سلوکها، شیوههای رفتار و طرز زندگی یک گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می شود.»

با توجه به تعریف ذکر شده، به طور ساده می توان گفت خرده فرهنگ، فرهنگی درون فرهنگ بزرگتر است

شکل گیری خرده فرهنگ

خرده‌فرهنگ‌ها را می‌توان شیوه‌هایی برای ابراز وجود دانست که گروه‌های مختلف، در تلاش جمعی برای مقابله با تضادهای طبقاتی، به وجود می‌آورند و خود را غالباً در انتخاب سبک خاصی از پوشش، واژگان و زبان خاص و نوع خاصی از موسیقی نمایان می‌سازد.

اما همانطور که ذکر شد خرده‌فرهنگ‌ها با وجود تفاوت‌هایی که با فرهنگ عمومی جامعه دارند، در عناصری با آن مشترک هستند.

به‌طور سنتی، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها در غرب با ویژگی‌های طبقاتی و تضادهای ناشی از آن مرتبط دانسته می‌شود. اما زمینه‌های دیگری مثل خاستگاه قومی، محل سکونت، تعلقات دینی و متغیرهای مشابه نیز بر آن سهمیم هستند، به عنوان مثال ویژگی‌های مردم یک استان از لحاظ گویش، آداب و رسوم، نحوه پوشش، مهمان‌نوازی، ازدواج و نظایر این فرهنگ‌ها آن‌ها را از سایر فرهنگها مشخص و متمایز می‌کند. این فرهنگ ویژه را خرده‌فرهنگ آن استان می‌گوییم در حالی که جزیی از فرهنگ کشور تلقی می‌شود.

تمدن

تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک دورهٔ تاریخی در یک منطقهٔ جغرافیایی زندگی می‌کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند.

در این تعریف سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و همچنین تاکید می‌شود بر دورهٔ تاریخی و منطقهٔ جغرافیایی که دورهٔ تاریخی می‌تواند کوتاه یا بلند و منطقهٔ جغرافیایی می‌تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد، عنصر دیگر تعریف دستاوردها هستند که بدون آن تمدن معنای خود را از دست می‌دهد، و همچنین یک جامعهٔ بی‌هدف در تعریف تمدن چیست؟

رابطه بین دو واژهٔ تمدن و فرهنگ

برخی تمدن و فرهنگ را مترادف یکدیگر بکار می‌برند. گروهی دیگر فرهنگ را در نقطهٔ مقابل تمدن قرار می‌دهد.

در این مضمون، معنی فرهنگ تغییر کرده همهٔ عقاید و آفرینش‌های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر، و ادبیات را شامل می‌شود.

حال آنکه تمدن به حوزهٔ خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می‌کند. خط، تکنولوژی، و علم عمومی ترین معیارهای مورد استفاده بوده‌اند. همراه با این معیارها، از خصوصیت‌های دیگری نیز استفاده ده است که در مشاهدهٔ تجربی، فرهنگ‌ها غالباً با آنها پیوستگی داشته‌اند: وجود شهرها، وجود ناهمگنی جمعیتی که بر اثر تقسیم پیچیدهٔ کار با هم مرتبط شده‌اند، و تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی.

تعریف مردم شناسی

مردم‌شناسی از جمله علوم اجتماعی عام است که به علم مطالعه زندگی انسان در مراحل ابتدائی تعریف شده‌است و جنبه‌های گوناگون انسان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهد. آنچه مردم‌شناسی کنونی را از دیدگاه‌های کهن جدا می‌سازد و میان این دو مرز می‌کشد، همانا روش تحقیق علمی است. مردم‌شناسی علم است و از این رو قادر به تبیین، پیش‌بینی و کنترل روابط پایدار بین نمودهای حوزه فرهنگ انسانی یا جامعه بشری است. این رشته، اکنون برای مطالعه جوامع ابتدایی و انسان فسیل در کنار انسان‌شناسی جسمانی به کار می‌رود. مردم‌شناسی زندگی اجتماعی و حیات فکری و فرهنگ انسان را با توجه به سیر تاریخی و مناسبات طبیعی و اجتماعی بررسی می‌کند و ویژگی‌های جسمانی و زندگی فکری و فرهنگی انسان‌های نخستین و جوامع ابتدایی را می‌کاود. می‌توان گفت این علم آیین‌ها تمام نمای جامعه معاصر است یعنی می‌تواند علل به وجود آمدن سازمان‌ها و بنیان‌های کهن فرهنگی جامعه بشری را که برخی در جوامع معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده‌اند کشف نماید.

## مردم‌نگاری

**مردم‌نگاری** یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش در مطالعات مردم‌شناسی است. در اواخر قرن ۱۸ به منظور شناخت شیوه زندگی مردم قاره‌های دیگر به وسیله اروپائیان به کار برده شد و در قرن ۱۹ رونق گرفت. بر مشاهده همراه با مشارکت در زندگی جامعه مورد مطالعه، مصاحبه و توصیف مبتنی است و با روش‌های کمی، پرسشنامه‌ای و مبتنی بر آمار در سایر علوم انسانی تفاوت دارد.

در پژوهش مردم‌نگاری، زمینه پژوهش و گروه انسانی باید محدود و کوچک باشد تا تعداد محدودی پژوهشگر از این طریق بتوانند منطقه را مورد مطالعه قرار دهند. از این روست که مطالعه مونوگرافی (تک‌نگاری) در حوزه مطالعات مردم‌شناسی اهمیت بسیار دارد.

## تعریف انسان‌شناسی

هر منظومه‌ی معرفتی را که به بررسی انسان و یا بعد یا ابعادی از وجود انسان و یا گروه و قشر خاصی از انسانها می‌پردازد، می‌توان انسان‌شناسی نامید. انسان‌شناسی انواع مختلف و متنوعی دارد که به لحاظ روش و یا نوع نگرش، از یکدیگر متمایز می‌شوند.

## انواع انسان‌شناسی

انسان‌شناسی را می‌توان بر اساس روش ۱: به انسان‌شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی تقسیم کرد.

انسان‌شناسی را می‌توان بر اساس نگرش ۲: به انسان‌شناسی کلان یا کل‌نگر و انسان‌شناسی خرد یا جزء‌نگر دسته‌بندی نمود.

## انسان شناسی خرد و کلان:

مجموعه بحث و بررسی های انجام یافته در مورد انسان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

گاهی در بررسی انسان بعدی خاص ، گروهی به خصوص و یا انسانهای زمان یا مکان ویژه ای مورد نظر قرار گرفته و دانشمندان درصدد طرح سؤال و یافتن پاسخ در آن خصوص بر می آیند. و گاهی انسان به طور کلی و با صرف نظر از بعد ، شرایط ، زمان و مکان خاص ، کانون توجه کاوشگران و پژوهشگران قرار می گیرد و در پی یافتن رمز و راز آن بر می آیند .  
انسان شناسی نوع نخست را انسان شناسی خرد یا جزء نگر و انسان شناسی نوع دوم را انسان شناسی کلان یا کل نگر می توان نامید .

## تفاوت انسان و مردم شناسی

رادکلیف براون مردم شناس انگلیسی، با در نظر گرفتن مسائل مربوط به تاریخ و جغرافیا گفت: مردم شناسی عبارتست از مطالعه و تحقیق همه جانبه در باره فرهنگ جامعه .

و انسان شناسی عبارتست از: مطالعه و تحقیق ویژگیهای انسان طبیعی (فیزیکی و زیستی) در میان اقوام و نژاد های مختلف از یک سو و ویژگیهای فرهنگی- اجتماعی از سوی دیگر

## کوچ

منظور از کوچ و کوچ نشینی نوعی زندگی است که در آن به دلیل اتکا به شغل دامداری به منظور بهره گیری از منابع طبیعی ناچار به حرکت و جابه جایی از نقطه ای به نقطه ی دیگر میباشد. اگر چه فعالیتهای جانبی دیگر مانند کشاورزی و صنایع دستی نیز در این جامعه رواج دارد. امروزه در مملکت ما اصطلاحات مختلف نظیر: عشایر کوچ نشینی ، گله دار، ایللیاتی ، چادر نشین و غیره به کار برده می شود که همگی دال بر زندگی کوچ نشینی است.

## انواع کوچ

کوچ های عشایری معمولا از نظر چگونگی کوچ و موقعیت جغرافیایی محل ومحدوده حرکت به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) کوچ افقی: در این نوع کوچ عشایر معمولاً مسافت زیادی را طی می کنند که این مسیر حد فاصل چند شهرستان و یا استان را شامل میشود. در بعضی از مناطق این مسافت به هزار کیلومتر هم می رسد. این دسته از عشایر در طول مسیر کوچ از این مراتع استفاده میکنند. این گروه بر خلاف دسته قبل در ییلاق و قشلاق دارای اراضی کشاورزی و باغات کمتری میباشد و عموماً عشایر کوچرو هستند. ایلات قشقایی و خمسه در استان -طوایف چادر نشین کرمانشاه کردستان و ایلام دارای این نوع کوچ هستند.

کوچ افقی به دو محدوده جغرافیایی قابل تقسیم است:

۱) کوچ درون استانی که در محدوده یک یا چند شهرستان واقع در حوزه یک استان صورت میگیرد.

۲) کوچ برون استانی که فراتر از یک استان در محدوده چند شهرستان یا چند استان صورت میگیرد.

ب) کوچ عمودی: در این نوع کوچ مهاجرت از دشت به کوهستان صورت می گیرد. به عبارت دیگر کوچ از ارتفاعات بالا به پایین و بالعکس انجام می شود. به دلیل شرایط آب و هوایی دسته ای از عشایر زمستان را در زمین های پست و تابستان را در ارتفاعات کوهستانی به سر می برند.

از خصوصیات این نوع کوچ کوتاه بودن طول مسیر کوچ است. عشایر ممسنی ایلات سنگسری - پروری - الیکایی - هداوند و عرب سرهنگی در استان سمنان دارای این نوع کوچ هستند.

تعریف کوچ عشایر

عبارت است از جابجایی و حرکت افراد و خانوارهای عشایری بین قلمروهای ییلاقی (سردسیر) و قشلاق (گرمسیر) که با هدف دسترسی به علوفه مرتعی تازه برای اهتراز از گرما و سرمای شدید انجام می گیرد. کوچ عشایر معمولاً با شرکت همه افراد خانوار، بار و بنه و سرپناه قابل حمل در قالب رده های ایلی و یا امروزه به صورت انفرادی و تک خانواری صورت می گیرد. کوتاه و بلند بودن مسیر کوچ، تغییری در مفهوم کوچ عشایر به وجود نمی آورد.

مسیر کوچ: به خط سیر حرکت و جابجای عشایر کوچنده از ییلاق به قشلاق و بالعکس اطلاق می شود. به مسیرهای سنتی کوچ عشایر «ایله راه» گفته می شود.

زیست بوم عشایری: محدوده ای از سرزمین و قلمرو ایلی و یا قلمرو رده های ایلی عشایر است که علی الاصول شامل ییلاق، قشلاق و مسیر بین این دو (میان بند) است.



بیلاق یا سردسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می‌شود که عشایر تمام و یا قسمتی از فصول بهار و تابستان را در آن می‌گذرانند. در بین برخی از عشایر به بیلاق، سرحد نیز گفته می‌شود.

قشلاق یا گرمسیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می‌شود که افراد و خانوارهای عشایری، تمام یا قسمتی از فصول پاییز و زمستان را در آنجا سپری می‌کنند.

میان‌بند: به مناطق بین قلمروهای بیلاقی و قشلاقی عشایر اطلاق می‌شود. مسیرهای عبور عشایر (ایله‌ها) و اتراقگاه‌های موقت بین راهی در میان‌بند قرار داشته است. همچنین متناسب با فصل یا دوره کوچ، میان‌بند دارای مراتع بهارگه چر یا بهارچر و پاییزچر بوده است.

### عشایر و کوچ نشینان ایران

کوچ نشینی کهن ترین شیوه زیست بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگ ترین جاذبه های این شیوه معیشت است و همین شیوه خاص زندگی سبب شده ایلات و عشایر «دیدنی ترین جاذبه عصر تکنولوژی» لقب بگیرند.

عشایر به شیوه ای جذاب و باورنکردنی طی قرن ها و سال های طولانی اقدام به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود نموده اند و این اصالت به جاذبه ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است.

مسکن عشایر و نوع زندگی آن ها، زبان و موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های به جای آوردن جشن های عروسی و محلی از مهم ترین

جاذبه های ایلات و عشایر است.

بارزترین مشخصه ایلات و عشایر شیوه زیست آنان است که بر خلاف یک جا نشینان روستایی و شهری، در کوچ و نقل و انتقال دایمی سیاه چادرها و رمه های خود هستند. عشایر کوچ رو که یکی از جاذبه های مهم گردشگری فرهنگی به شمار می آیند در همه نقاط ایران، در حوزه های غرب و جنوب غرب، شرق و جنوب شرق، شمال غرب، شمال شرق و مرکزی ایران ایلات و عشایر پراکنده شده اند.

### ایلات و عشایر حوزه غرب و جنوب ایران

در حوزه غرب و جنوب ایران رشته کوه های زاگرس کشیده شده که دارای بیش از ده میلیون هکتار جنگل بلوط، بادام کوهی و پسته وحشی و آب و هوای مرطوب و مراتع غنی است. وجود خصوصیات طبیعی یاد شده سبب شده ایلات و عشایر متعددی در این منطقه پراکنده باشند. رشته کوه های

زاگرس از کوه های آرارات در شمال آغاز و تا استان فارس در جنوب ایران تداوم یافته و از آن جا به موازات خلیج فارس به شرق کشیده شده و به کوه های پاکستان می رسند. منطقه یاد شده شامل استان های کردستان، کرمانشاه، ایلام، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و فارس می شود.

وجود ارتفاعات سرسبز و خنک، در کنار دره های پرآب و جنگلی و دشت های معتدل و نسبتاً گرم در یک محدوده نزدیک گاه زندگی کوچ نشینی در چارچوب یک منطقه محدود را میسر ساخته و دام داران را از رنج کوچ های طولانی و برون منطقه رهایی بخشیده است.

عشایر کرد از زمان های گذشته در شمالی ترین بخش زاگرس در محدوده استان های آذربایجان غربی و کردستان پراکنده شده اند که امروزه برخی از آن ها در کوهستان های اطراف اسکان یافته اند. ایلات مشهور شکاک، مامش، زرزا، قره پاپاق و... در استان آذربایجان غربی و ایلات گلباغی، طوایف اورامانات، طوایف مریوان، طوایف سنندج، طوایف بانه، عشایر جوانرود، طوایف سقز و طوایف مستقل در محدوده استان کردستان و کرمانشاه پراکنده شده اند

#### ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق

در استان کرمانشاه کوچ نشینی هنوز رواج دارد و ایلات کرد جاف، کلهر، قلخانی، سنجابی، گوران و کرد در این منطقه پراکنده شده اند.

ایلات و عشایر کرد ایران نیز به عنوان حافظان آداب و رسوم و سنت های این قوم بزرگ از اهمیت خاصی برخوردار هستند و دارای جاذبه های گردشگری فراوانی هستند. جامعه عشایری جایگاه ویژه ای دارند. قوم کرد از لحاظ فرهنگی سابقه چشمگیری دارد. زبان، شعر، رقص، موسیقی، آداب و رسوم به جای مانده در این پهنه از سرزمین ایران قدمتی دیرینه دارند.

طوایف لرستان در یک تقسیم بندی به دو بخش لر و لک تقسیم می شوند که از نظر لهجه، سنن، آداب و رسوم و برخی مسایل مذهبی با یک دیگر تفاوت دارند.

ایلات و طوایف لک در شمال و شمال باختری لرستان سکونت دارند و سرزمین لک نشین به صورت خط منحنی در دره های رودخانه سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم آباد، کرمانشاه و ایلام قرار گرفته است.

در گذشته لک ها به «طوایف وند» و لرها به «فیلی» شهرت داشتند.

در سایر نقاط ایران مثل کرمان نیز طوایف پراکنده لر وجود دارند.

عشایر لر را به لر کوچک (الوار لرستان و ایلام) و لر بزرگ (الوار بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی فارس) تقسیم

می کنند.

لک ها در واقع جنوبی ترین قبایل کرد به شمار می آمده اند که امروزه با طوایف لر آمیخته و همسان شده اند.

ایل بختیاری که در استان چهارمحال و بختیاری زندگی می کند بزرگ ترین ایل کوچنده کشور ایران است

نوع زندگی، آداب و رسوم حاکم بر جامعه بختیاری و ساخت و بافت روستاها مبین نظام های کهنه و نو عشایری در منطقه است.

مجموعه ایل بختیاری همراه با سنن و شیوه های خاص زندگی، به تنهایی یکی از جاذبه های بی نظیر و چشم گیر این منطقه است.

زندگی ایلی با الگوی سکونت و آداب و رسوم ویژه، که مورد علاقه گردشگران و دیدارکنندگان داخلی و خارجی است، یکی از دیدنی های جالب توجه قوم لر است.

کوچ روهای بختیاری، زمستان را در دشت های شرق خوزستان و تابستان را در بخش های غربی منطقه چهارمحال و بختیاری به سر می برند.

آن ها هر ساله از اواخر اردیبهشت ماه از پنج مسیر مختلف همراه با مبارزه ای خستگی ناپذیر با سختی های طبیعت، ضمن عبور از رودخانه ها، دره ها، و پشت سر گذاشتن بلندی های زردکوه در مناطق معینی از دامنه زاگرس پراکنده می شوند و نزدیک سه ماه در این منطقه می مانند و با چرای دام ها در مراتع سرسبز به رمه داری مشغول می شوند.

عشایر قشقایی که با کوچ درازمدت خود خطه اصفهان را به خلیج فارس پیوند می دهند، از مشهور ترین ایلات کشور هستند.

ایلات خمسه نیز که شامل ایل عرب، باصری، بهارلو، اینانلو و نفر است یک مجموعه ناهمگون است که برخی از آن ها به دلایل سیاسی در زمان قاجاریه یک جانشین شدند. ایلات خمسه پس از بختیاری ها

و قشقایی ها سومین واحد دام داری متحرک ایران به شمار می آیند.

عشایر عرب در جنوب غرب ایران ساکن هستند و از خصوصیات ویژه ای برخوردارند. آن ها در دوستی اصیل و ثابت قدم بوده و در برابر مشکلات شجاع و مقاوم اند. عشایر بی حرمتی به قومیت خود را به هیچ وجه تاب نمی آورند و میهمان نوازی و آزادمنشی از ویژگی های این قوم سخت کوش است.

علاقه فراوان عرب ها به جشن های ملی و محلی و به جا آوردن کلیه آداب و رسوم مربوط به آنها نیز از جمله جاذبه های گردشگری این قوم به شمار می روند. عید فطر در نزد عرب ها به مدت هفت روز گرفته می شود و عید قربان یک روز تمام به جشن و شادی می گذرد. از آداب کهن این منطقه که از قرن ها پیش هم چنان پابرجاست گرامی داشتن نوروز و آتش افروزی چهارشنبه سوری است.

#### ایلات و عشایر حوزه شرق و جنوب شرق

در حوزه شرق و جنوب شرق کشور که بخشی از خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و هرمزگان را در بر می گیرد، شرایط آب و هوایی خاصی حاکم است. در این حوزه تنوع و تضاد اقلیمی شدید و در مجموع منطقه ای کم آب و کم باران با آب و هوای گرم کویری و اختلاف درجه حرارت چشمگیر در شبانه روز است. عشایر بلوچ از مهم ترین ایل های ساکن در جنوب شرق ایران هستند.

مجموع شگفتی های طبیعی، حوزه یادشده را به ۴ منطقه بیلاقی (دره های کوه تفتان و منطقه بردسیر و لاله زار و بارز با آب و هوای لطیف و چشمه های گوارا) معتدل (با اختلاف شدید درجه حرارت در روز و شب) گرمسیری (با هوای خفکان آور و گرمای شدید در شبانه روز) ساحلی (با هوای گرم و مرطوب) تقسیم کرده است. بیش ترین تراکم جمعیت عشایری این حوزه در امتداد کوهستان های مرتفع مرکزی کرمان (شهرستان های کهنوچ، بافت، سیرجان، جیرفت و بم) دیده می شوند.

#### ایلات و عشایر حوزه شمال غرب

حوزه شمال غربی ایران شامل سرزمین آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و بخشی از گیلان است که به دلیل کوهستانی بودن منطقه از تنوع آب و هوایی برخوردار است.

جنگل ها و مرغزارهای سرسبز و مراتع پهناور از ویژگی های این ناحیه است که سبب زندگی عشایر در این منطقه شده است.

در آذربایجان شرقی طوایف متعددی مانند ایل شاهسون زندگی می کنند.

بیلاق آن ها در کوهپایه های سبلان و قوشه داغ در پیرامون اهر و مشگین شهر است و طوایف ارسباران(قره داغ) و طوایف خلخال در کوه های طالش زندگی می کنند.

قشلاق شاهسون ها و طوایف ارسباران، جلگه کم عمق مغان است و گرمسیر طوایف خلخال حاشیه رود قزل اوزن است.

ایل میلان و ایل جلالی نیز در همین حوزه در منتهی الیه شمال غربی زندگی می کنند

### ایلات و عشایر حوزه شمال شرق

حوزه شمال شرقی ایران به دلیل وسعت زیاد از اقلیم متنوعی برخوردار است. این سرزمین دارای جنگل در قسمت های شمال غربی و مراتع متوسط و ضعیف در سایر قسمت ها است. ایلات و طوایف این حوزه نیز از پیشینه و قدمت طولانی برخوردارند.

ایل افشار که از دیرزمان در خراسان ساکن بوده، از ایلات ترک است. ایلات کرد زعفرانلو در شمال و شمال شرقی خراسان رضوی پراکنده شده اند.

ایلات ترک افشار از منتهی الیه شمالی خراسان، درگز و کوهپایه های کپه داغ تا الله اکبرتا هزار مسجد ایلات ترک افشار و قره قویونلو و... کوچ می کنند.

در حرکت به جنوب با ایل بهلولی مواجه می شویم که بیلاقشان در ارتفاعات بیرجند و قائنات است.

ترکمن ها جذاب ترین عشایر منطقه شمال شرق ایران هستند که محل زندگی آن ها، زیورآلات، لباس های محلی، مراسم عروسی و عزای آنها برای گردشگران بسیار جالب است.

ضمن آن که تقریباً تنها قومی هستند که اجازه می دهند غریبه ها در مراسم خصوصی آن ها شرکت کنند

بنابراین بازدیدکنندگان بی هیچ دغدغه ای می توانند مراسم خصوصی چون عروسی و جشن های ترکمن های مهربان را از نزدیک ببینند.

وجود عشایر ترکمن و آداب و رسوم جذاب آن‌ها سبب شده آن‌ها یکی از معروف‌ترین عشایر ایران پس از عشایر قشقایی باشند که گردشگران تمایل زیادی به بازدید از شیوه زیست و آشنایی با آداب و رسوم آن‌ها دارند

### ایلات و عشایر حوزه مرکزی

حوزه مرکزی ایران شامل استان‌های زنجان، همدان، سمنان، مرکزی، تهران و بخشی از مازندران می‌شود که ویژگی عمده آن‌ها نزدیکی به پایتخت است. این ویژگی سبب شده که کوچ‌نشینان این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی متمایزی نسبت به دیگر عشایر باشند. طوایف لر چگینی و غیاثوند، طایفه ترک شاهسون بغدادی و بقایایی از طایفه کلهر در استان زنجان سکونت دارند. بقایایی از طوایف مختلف مانند کل کوهی و میش مستی و ... نیز در استان مرکزی در میان ساوه و استان زنجان زندگی می‌کنند.

در استان همدان نیز طوایف ترکاشوند، یارم طاقلو، جیمر و شاهسون زندگی می‌کنند. در دامنه‌های جنوبی البرز و در شمال استان سمنان و شمال و غرب استان تهران طوایف نیمه کوچ‌نشین با تنوع فراوان نژادی و قومی زندگی می‌کنند.

### نوع مسکن میان ایلات و عشایر

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می‌توان به دو دسته خانه و سیاه چادر تقسیم کرد:

خانه: مساکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و سنگ و غیره است و بیش‌تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده‌هایی که از سوی ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می‌شود و جنبهٔ دائمی دارند.

چادر: نیز در میان بیش‌تر چادرنشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی آن‌ها مناسب است. چادرها را می‌توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت چارپایان برای بردن به ناحیه‌ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولاً یا دایره شکل و یا مسطیلی است.

هر یک از ایلات و عشایر یاد شده دسته‌ها و رده‌بندی‌های ایلی خاص آن منطقه که به تفصیل در

مناطق مورد نظر آورده خواهد شد را رعایت می کنند و آداب و رسوم و شیوه های زندگی هر یک از این اقوام با یک دیگر تفاوت های اساسی دارند که همه این تفاوت ها و گونه گونی ها سبب شده که ایلات و عشایر به عنوان جاذبه های دیدنی عصر تکنولوژی به شمار آیند.

## تاریخچه ی اقوام ایران

### ماساژت ها

ماساژت ها یکی از اقوام ایرانی تبار هستند.

ماساژت ها یک تیره سکایی نیمه صحراگرد در آسیای میانه بودند.

در روزگار مادها، سکاها فراوان به مرزهای ایران می تاختند.

اینان گاه با آشور هم پیمان می شدند و زمانی زیر فرمان خود مادها با آشوریان می جنگیدند.

با آغاز کار هخامنشیان درگیریهای مرزی با سکاها دنباله داشت.

داریوش بزرگ ، دسته های بسیاری از آنان به شاهنشاهی هخامنشی پیوستند و به عنوان سرباز برای آنان جنگیدند.

با گذشت زمان گروهی از اینان به جنوب شرقی ایران کوچیدند و این سرزمین را به نام خود سکستان (سیستان) خواندند.

تشکیلات اجتماعی ماساژت ها :

مادر خیلی اهمیت داشت - تاخت و تاز می کردند - سلاح اصلی آنها تیر - کمان تبر زین از جنس مفرغ - خورشید پرست بودند - غذای اصلی ماهی

لولوبی ها

لولوبیان نام قومی ایرانی زبان است که از حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد در سرزمینی واقع در شمال غرب فلات ایران ساکن بودند و بیش از دوهزار سال در این نواحی زیستند.

لولوبیان در اواخر دوران خود دارای حکومت شده و با برخی از همسایگان خود در جنگ بوده‌اند.

کتیبه نارام سین در حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مضمونش مربوط به قوم لولو می‌باشد.

لباس، خط و زبان لولوبیان :

لباس لولوبیان نیم تنه‌ای بود که پوستینی بر آن اضافه می‌کردند.

در نقش برجسته آنوبانی نی شاه، دامنی از پوست داشته و ملکه نیز جامه‌ای بلند از پوست بر تن دارد.

آثار برجسته :

آنوبانی نی ملکه لولویی بود که نقش برجسته منصوب به او در شهر سرپل ذهاب، از قدیمی‌ترین سنگ نبشته‌های ایران با قدمتی حدوداً ۴۲۰۰ سال است.

داریوش پس از مراجعت از مصر با مواجهه به این اثر باعث شد که منبع الهام برای کتیبه بیستون شود .

گوتی ها

نخستین قومی که بعدها از آنها نام برده شده است قوم گوتی بودند که در اسناد آشوری در عبارتی خشمگینانه از آنها با نام «گوتی های بی خرد» نام برده شده است. وقتی نشانه های بازمانده از این قبایل را بررسی می کنیم متوجه می شویم که گوتی هامردمی آریایی بوده اند که از زمانهای بسیار دوری در غرب فلات ایران جاگیر بوده اند، و بعدهم وارد اتحادیه ماد شده اند که هم نژاد و هم زبانشان بوده اند.

از این رو گوتی ها را باید نخستین قبایل شناخته شده ایرانی در غرب فلات ایران دانست که در هزاره سوم در این منطقه دارای تمدنی بوده اند؛ و خدایشان نیز آناهیتا(ناهید) بوده که یکی از خدایان

بسیار دیرینه ایرانیان است .

کردها قومی خالصاً آریایی اند . اگر کاوشهای باستان شناسی در این منطقه صورت بگیرد شاید بتوان به پیوند تاریخی میان مردمی که شاهان به آنها نام گوتی داده اند و کردها دست یافت، و چه بسا که



بتوان نام اصلی این قبایل را در میان یافته های باستان شناسی به دست آورد؛ مردمی که نیاکان بخشی از کردهای امروزی بوده اند.

ماناها

ماناها مردمانی کهن با خاستگاهی ناشناخته بودند که در حدود سده‌ی دهم تا هفتم پ.م. در منطقه‌ی کنونی آذربایجان پادشاهی مانایی در حدود ۸۵۰ پ.م. بود که رو به شکوفایی و بالندگی نهاد. ماناها در اصل مردمانی یک‌جانشین بودند و به کشت‌وکار و پرورش اسب می‌پرداختند. پایتخت آنان شهر مستحکمی به نام (Izirtu) بود.

آثار باستانی :

آثار باستانی منائیان بیشتر در کردستان و آذربایجان می‌باشد. گنج زیویه، آثار کشف شده می‌باشد.

در کاوش‌های تپه حسنلو و شهر سقز و زیویه در (نزدیک سقز) نیز آثار باستانی منایی به دست آمده است .

کاسیان

کاسیان در هنر فلزکاری که آهن هم در ردیف آنها بود، مهارت بسیار داشتند و نیز در سوارکاری از اقوام دیگر چالاک‌تر و ماهرتر بودند .

همین قوم «کاسی» بود که نژاد اصیل اسب را به بین‌النهرین آورد و این نژاد اسب از آنچه سومری‌ها داشتند، برتری یافت و نیز نوشته‌ها و دستورهایی دربارهٔ تعلیم و نگهداری اسب از آنان باقی‌مانده است که نشانهٔ عشق و علاقهٔ آنان به اسب و سوارکاری است.

در دوره کاسی‌ها و در مرز بین ایلام و لرستان کنونی شهری به نام «لور» وجود داشت که با اتفاقات و جریاناتی که صورت گرفت، مهاجرت به سمت شمال صورت گرفت و نام «لر» شکل گرفت.

با آمدن کاسیان کار مفرغ سازی در لرستان صورت جدید و بدیع یافت.

به بدنهٔ ارابه‌ها وصل می‌شد. همچنین افزارهای دیگر و سلاح‌هایی مانند تبر و گرز که سر آنها نیز به شکل سر اسب ساخته می‌شد و همه مشخصات اسب مثل چشم و یال و گوش و ... بر آنها ترسیم می‌گردید.

بلخ (باکتريا)

بلخ به قولی کهن ترین شهر تاریخ جهان است که پیشینهٔ آن به هزاران سال قبل از میلاد برمی‌گردد و یکی از شهرهای مهم امپراطوری ایران بوده است.

زرتشت بین سالهای ۱۷۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد در بلخ ظهور کرد و پادشاه کیانی دعوت وی را به آیین زرتشت پذیرفت و همواره از مروجان و طرفداران آیین زرتشت بود.

در زمانهای پیش از اسلام بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زرتشتی بود و در دوره‌هایی از مراکز دین بودایی و محل معبد معروف «نو بهار» بود.

#### قوم سکاها

• سکاها دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین آریایی بودند که محل زندگی آنان از شمال به دشت‌های جنوب سیبری، از جنوب به دریای خزر و دریاچه آرال، از شرق به ترکستان چین و از غرب تا رود دانوب می‌رسید.

کاسی‌ها قوم کوچ‌نشین که در حوالی دریای مازندران بودند به همین دلیل به دریای کاسپین معروف شد. سکا یا سکا نامی است که در منابع قدیمی برای سکا‌هایی که از طرف آسیای میانه با ایرانیان سروکار داشتند، به کار رفته است. سکاها یا سکاها در زبان‌های اروپایی به سیت معروف هستند.

#### خصوصیات سکاها:

- سوار کار و تیر انداز های ماهر بودند.
- لباس های شاد می پوشیدند.
- اعتقاد به سحر ، جادو و طلسم داشتند.

#### مناطق فرهنگی ایران

مناطق فرهنگی ایران از ۷ تا ۱۲ منطقه فرهنگی مود مطالعه قرار گرفته است که در این میان تقسیم بندی ۱۰ گانه ذیل مبنای مطالعات فرهنگی ایران گردید:

- (۱) حوزه فرهنگی خوزستان
- (۲) حوزه فرهنگی آذربایجان
- (۳) حوزه فرهنگی سواحل دریای مازندران
- (۴) حوزه فرهنگی کردستان و کرمانشاهان

- (۵) حوزه فرهنگی فلات مرکزی و حاشیه های کویرهای ایران
- (۶) حوزه فرهنگی سیستان و بلوچستان
- (۷) حوزه فرهنگی خراسان بزرگ و گرگان
- (۸) حوزه فرهنگی کرمان
- (۹) حوزه فرهنگی فارس، چهار محال بختیاری، یاسوج و خلیج فارس
- (۱۰) حوزه فرهنگی لرستان

منطقه فرهنگی خوزستان

تاریخچه تمدن ایلام

یکی از درخشان ترین مقاطع تاریخ ایران باستان، دوران تمدن «ایلام» است.

ایلامیان، بنیان گذاران نخستین پادشاهی در گستره ی ایران بوده اند. نام این سرزمین در زبان ایلامی، «Hal-Tamti» و به معنای «کشور سرور» بوده است.

شکل نوشتاری این نام در خط میخی سومری به صورت «NIM.KI» بوده و به گونه ی Elam(ma) (در سومری) و Elamtu (در اکدی) خوانده و تلفظ می شده است.

هخامنشیان این سرزمین را Uja می خواندند که نام کنونی «خوز» (= خوزستان) بازمانده ی همین واژه است. ایلامیان به لحاظ قومی، به تبار «آسیانیک» تعلق داشته اند.

محدوده ی جغرافیایی خوزستان

گستره‌ی کشور ایلام، شامل خوزستان و لرستان کنونی، پشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. از غرب به رود دجله، از شرق به استان فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شده

خط

در هزاره‌ی چهارم پ.م، به موازات ابداع نخستین خط تصویری در سومر، ایلامیان نیز موفق به اختراع خط مشابهی گردیده بودند که از آن برای ثبت و نگهداری حساب‌ها و معاملات خود استفاده می‌کردند. این خط احتمالاً ۱۵۰ نشانه داشته است.

از اواخر هزاره‌ی سوم پ.م، اندک اندک، خط اکدی - که سرانجام به خط میخی معروف تبدیل گشت - جانشین خط پیشین ایلامیان شد

اما در طول سالیان بعد، ایلامیان این خط وام گرفته شده را ساده و پیراسته کرده و تا مرز نوشتار الفبایی رساندند

زبان

زبان ایلامی، زبانی بسیار دشوار است که تاکنون شناسایی کامل آن ممکن نشده و پیوند مستقیم آن با دیگر زبان‌های منطقه، دقیقاً ثابت نگردیده است.

این زبان، به لحاظ دستوری، زبانی «پیوندی» است که با افزودن پسوندهای گوناگون به پایان واژه، و نیز میان‌وندهایی خاص و پسوندهایی ضمیری به ریشه‌ی فعل، بیان می‌شده است.

زبان ایلامی گرچه به لحاظ دستوری ساختار آسانی را نشان می‌دهد، ولی از نظر محتوایی، به علت کمبود نوشته‌های باقی مانده از این زبان، امکان آگاهی کامل بر ابعاد و امکانات آن، مقدور نشده است.

باورها و اسطوره‌ها

بخش عمده‌ای از باورها و اندیشه‌های دینی و اسطوره‌ای ایلامیان بر نوعی عبودیت و احترام به زن و زنانگی و پرستش «مار» استوار بوده است. در باورهای ایلامی، «مار» موجودی مقدس و حافظ آب و خرد و ثروت و عامل دور دارنده‌ی نیروهای اهریمنی دانسته می‌شد. حضور تصویر مار بر بسیاری از اشیاء و ظروف و نگاره‌های بازمانده از ایلام، نمودار اهمیت نماد مار و به ویژه نقش برکت‌بخشی آن می‌باشد

## خدایان

ایلامیان نیز چون بسیاری از تمدن‌های کهن خاورمیانه، معتقد به نظام مادرسالاری بودند؛ چنان که در رأس خدایان‌شان، ایزدبانوان قرار داشتند و حتی در نظام پادشاهی آنان نیز، مقام سلطنت از تبار زنان به ارث می‌رسید و منتقل می‌شد و مردان، به نیابت از زنان دودمان سلطنتی، به پادشاهی می‌رسیدند.

در نظام اجتماعی ایلامیان نیز زنان از اعتبار، منزلت و حقوقی گسترده برخوردار بودند.

## طبقات اجتماعی-سیاسی ایلامی‌ها

با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی آنها به پنج طبقه تقسیم می‌شوند: الهه ، نیایشگران ، ملکه‌ها، زنان شاغل ، زنان عادی

۱. الهه : در طول سرآغاز تاریخ ایلام والاترین مقام در فهرست مجمع خدایان از آن الهه بزرگ پی نی کی ر بوده است و این برتری یک الهه به احتمال بازتابی است از نظام مادر سالاری که به تمدن ایلام ویژگی می‌بخشد.

پوشاک الهه‌ها به عنوان خدای مونث بودن و مقام و رتبهٔ آنها در طبقات مذهبی-اجتماعی ایلامی‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شود:

**دسته اول** (لباس ساده: قدیمی ترین لباس الهه‌های ایلامی لباس سادهٔ فاقد هر گونه نقش و نگار تزیینی بوده، که دامن آن‌ها کوتاه و دارای پیراهن بلند بوده است.

دسته دوم) لباس چیندار و مطبق: لباس پوستین یا پشمین پوششی بوده، چه مخصوص خدایان میان رودان و چه در دوره ایلامی منگوله هایبیر پشم یا پوست به صورت مطبق نمایش داده‌اند که ما بر اساس شکل ظاهری لباس مذکور آن‌ها را تحت عنوان لباس مطبق یا چین دار معرفی می‌کنیم. لباس مذکور از پیراهن و دامنی پرچین و بلند تشکیل شده است و آستین لباس در دو اندازه کوتاه و بلند بوده و خود لباس به اندازه‌ای بلند بوده که کاملاً مچ پاها را می‌پوشانیده است.

دسته سوم) لباس با تزیینات فلس دار: لباسی است با نقش و نگار فراوان و تزیینات فلس مانند، لباس مذکور هم از نوع پیراهن و هم دامن می‌باشد. در ۲۲۵۰ ق. م فلس‌های لباس به صورت لوزی‌های نوک تیز بوده ولی در قرن ۱۳ ق. م این نقوش رنگ طبیعی تری را به خود گرفته و به صورت اشکال مربع در سطح دامن الهه آب‌ها ظاهر می‌گردند.

دسته چهارم) لباس شال‌دار: شکل ظاهری لباس این طور بوده که روی دامن لباس یک شال بلندی تا زیر زانو قرار گرفته است

۲. نیایشگران: جایگاه اجتماعی نیایش گران در ردیف دوم جامعه قرار دارد. آن‌ها با توجه به شغل و حرفه به دو دسته تقسیم می‌شوند: نیایشگران عادی و آورندگان قربانی یا هدیه

الف) نیایشگران عادی: زنانی بودند که به احتمال وظیفه اصلی آن‌ها در معابد، ستایش گری یا نیایشگری بوده است؛ و به غیر از وظیفه مذکور فاقد شغل یا پیشه دیگری بوده‌اند. نوع پوششی که نیایشگران عادی ایلامی مورد استفاده قرار می‌داده‌اند به یک دسته اصلی یعنی لباس شال دار تقسیم گردیده است؛ که عبارت است از یک پیراهن شال دار به طوری که یک شال بلند که تا روی زانو می‌رسد، روی دامن لباس قرار گرفته است.

ب) آورندگان قربانی یا هدیه: دسته دیگری از نیایشگران دوره ایلامی، زنانی بوده‌اند که شغل آن‌ها علاوه بر نیایش گری، قربانی یا هدایا به معابد بوده است. به احتمال این گروه از نیایش گران به دلیل داشتن چنین موقعیتی بر مقام نیایش گران عادی ایلامی ارجحیت داشته‌اند. نوع پوشش آورندگان قربانی به یک دسته پیراهن تقسیم می‌شود که عبارت است از یک پیراهن بلند و گشاد که تا حدودی شباهت به لباس کیمانو ژاپنی‌ها دارد

۳. ملکه‌ها : دومین گروه از طبقات اجتماعی-سیاسی ایلامی‌ها، بعد از الهه‌ها، ملکه‌ها و شاهزادگان می‌باشند که آنان از لحاظ منزلت اجتماعی در ردیف پادشاهان این قوم بوده است. ملکه‌ها و شاهزادگان بعد از الهه‌ها و نیایش‌گران از نظر اجتماعی جایگاه سومی را برای خود کسب کرده‌اند.

۴. زنان شاغل : چهارمین گروه از طبقات اجتماعی زنان ایلام زنان شاغل بوده‌اند. واقعاً ما نمی‌دانیم شغل اصلی این دسته از زنان چه بوده و فقط بر اساس آثار بدست آمده اظهار نظر می‌کنیم. آن‌ها با خود چنگ و تار یا دوک نخ ریزی دارند و ما بر اساس نوع وسیله‌ای که داشته‌اند، هنر و پیشه آن‌ها را مطرح می‌کنیم

۵. زنان عادی : مانند دیگر جامعه‌های آن روزی همیشه آخرین طبقه و گروه از نظر منزلت اجتماعی به مردم عادی اختصاص داشته است که همیشه از مزایا و احترام کمتری نسبت به طبقات بالاتر از خود برخوردار بوده‌اند. دو نوع لباس مورد استفاده زنان عادی ایلامی بوده است:

۱- لباس ساده: اولین و قدیمی ترین لباس مورد استفاده زنان عادی ایلامی، لباس و پوشاکی از نوع ساده که معمولاً کوتاه و تنگ بوده و گاهی هم کمربندی روی آن قرار گرفته است.

۲- لباس بلند مزین با یک شال تزئینی: این نوع لباس به احتمال ضعیف در میان طبقه زنان عادی ایلامی مرسوم بوده، که شال به طور عمودی روی شانه سمت راست قرار گرفته است

زنان شاغل از نظر شغل سه دسته می‌شوند::

۱- موسیقی دانان: آن‌ها بر اساس نوع وسیله و ادوات موسیقی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- الف. تارزن: یکی از گروه‌های موسیقی دانان ایلامی تارزنان بوده‌اند و با وسیله‌ای بنام تار سر و کار داشته‌اند. لباسی که مخصوص تارزنان بوده شامل یک پیراهن بلند و گشاد که شباهت زیادی به لباس آورندگان قربانی دارد، بوده است.
- ب. چنگ نواز: دومین گروه از موسیقیدانان ایلامی چنگ نوازانی بوده‌اند که بر عکس تارزنان با ادوات موسیقی از نوع چنگ در آثار ظاهر شده‌اند. پیراهن لباسی است که به احتمال خاص موسیقیدانان خواه نوازنده چنگ نواز خواه تارزن بوده است. و به صورت یک پیراهن بلند و گشاد است که شباهت به کیمانوی ژاپنی‌ها دارد.

۲- ریسندگان: با توجه به نقوش کنده کاری شده روی ائرو پوشش زن ریسنده که بسیار مجلل می‌باشد، مشخص است که ریسندگی در ایلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. زن ریسنده تنها یک لباس بلند مزین با یک شال میله دوزی داشته است. این شال تزئینی به شکل عمودی بر روی شانه‌ها قرار گرفته است.

۳- خدمه: آن‌ها جایگاه پایین تری داشته‌اند و وظیفه اصلی‌شان بردگی کردن برای افراد صاحب مقام بوده است. پوشش خدمه از نوع لباسی ساده بوده است. لباسی ساده و بدون نقش و نگار که کمربندی پهن مزین با نقوش زیگزاکی آن را بر قامت می‌چسبانند.

معماری خوزستان

بخش‌های خاوری و شمالی آن دارای ارتفاعات و پستی و بلندی‌های بیشتری است و سمت جنوب و باختر آن صاف و هموار است.



این استان از طبیعتی زیبا و متنوع و تاریخی دیرینه برخوردار است.

رود زیبای کارون یعنی بزرگترین و طویل ترین رودخانه ایران در این استان جریان دارد. از دیگر رودخانه های استان رودخانه کرخه، دز، شاتور، زهره و جراحی را می توان نام برد.

ساحل کرخه و دز دارای پوشش جنگلی بوده و به عنوان مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش تعیین شده و تحت نظارت و کنترل سازمان حفاظت محیط زیست قرار گرفته است

### شرایط جغرافیایی

این منطقه به دلیل داشتن آب فراوان و امکانات مناسب برای زیست، از هزاران سال قبل محل سکونت اقوام گوناگون بوده که امروزه آثار فراوانی از تمدن آنها در این خبطه به یادگار مانده است و نخستین کاوش های باستان شناسی در ایران در دشت خوزستان صورت گرفته است.

سرزمین ایلام از نظر جغرافیایی دارای دو بخش یکی جلگه شوش (شوشان) در شمال خوزستان و دیگری زاگرس میانی و جنوبی است.

استان خوزستان با داشتن ۲۰ محوطه تاریخی یکی از بالاترین رتبه ها را در ایران داراست.

مرکز این استان شهر اهواز است و آثار تاریخی باارزشی آن در سطح استان پراکنده است مثلاً در شهرهای ایذه و بهبهان آثار و اشیاء باارزش تاریخی بسیاری بدست آمده است ولی در شهرهای شوش، شوشتر و دزفول بناهای تاریخی و آثار معماری باارزش بیشتری نسبت به سایر شهرهای استان به چشم می خورد .

دراج، درنا میوه خوار، خروس کولی و ولیجه جزء جامعه پرندگان این منطقه هستند. گوزن زرد که خواستگاه آن منطقه شوش بوده در دنیا بی نظیر است و آخرین نمونه شیرمنقرض شده ایران در اطراف کارون دیده شده است.

ماهی آزاد و جمعیت میلیونی مرغابی نیز در آبگیرهای این منطقه مشاهده می شود و نیز خلیج فارس با دهها نوع ماهی و انواع آبزیان و امکان قایق سواری بر روی آن، منطقه را برای گردشگری مناسب ساخته اند.

منطقه باستانی چغازنبیل

- **چغازنبیل** نیایشگاهی باستانی است که در زمان ایلام (عیلامی‌ها) و در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است. چغازنبیل بخش به‌جا مانده از شهر دوراوتش است و در نزدیکی شوش (شهر باستانی) در استان خوزستان قرار دارد.
- این سازه در ۱۹۷۹ اولین اثر تاریخی از ایران بود که در فهرست میراث جهانی یونسکو جای گرفت. جامعه بین‌المللی برای آن ارزش استثنائی و جهانی قایل است.
- خاورشناسان چغازنبیل را نخستین ساختمان مذهبی ایران می‌دانند

### معماری و طراحی زیگورات چغازنبیل

توسط پادشاه ایلام (اوتاش گال) برای ستایش خدایان ساخته شد. و در حمله سپاه خون ریز آشور ویران شد و در زیر خاک مدفون تا این که توسط رومن گیرشمن در زمان پهلوی از آن خاک برداری شد. ارتفاع آن ۲۵ متر و تنها ۲ طبقه و نیم از آن باقی مانده مساحت آن ۱۰۵ متر در ۱۰۵ متر است.

بناهای شهر از خشت و آجر ساخته شده اند و با وجود قدمت بسیار هنوز قسمت بزرگی از آنها برجای مانده اند. بر روی بسیاری از آجرها ذکر اقدامات و سازندگیهای اوتاش نپیریشا به خط میخی ایلامی و اکدی نگاشته شده اند

### طرح چغازنبیل

بنای زیگورات چغازنبیل مربعی شکل است و حصارهایی دایره ای به دور آن کشیده شده است .

عدد چهار به عنوان عدد مقدسی در معماری است چهار فصل سال ، اضلاع مربع ، بازوان صلیب ، چهار ستون عالم ، چهار و بهشت و ...

بر روی دیوارهای معبد آجرهایی به خط میخی مشاهده میشود که همگی دارای متنی یکسان هستند که بیانگر نام پادشاه و هدف او از ساخت معبد است

عمدهٔ مصالح مجموعهٔ چغازنبیل خشت میباشد به همین خاطر از پوشش آجری با هدف حفاظت از حجمهای زودفرسای خشتی، بویژه در مورد زیگورات استفاده زیادی شده است در واقع با استفاده از هزاران آجر پخته شده و کتیبه دار زیگورات را تزئین میکرده اند. علاوه بر این از آجرهای لعابدار، ملات قیر طبیعی، اندوذهای گچی، تزئینات شیشه یی، گل میخهای سفالین استفادهٔ زیادی شده است.

همچنین طی حفاریهای به عمل آمده، مجسمه های سفالین و لعابدار گاوهای نر که از دروازه های ورودی بنای زیگورات محافظت مینمودند، به دست آمده است.

در نزدیکی معابد هیشمیتیک و روهوراتیر کوره ای یافت شده است که به منظور پخت سفالینه ها بکار میرفته است.

## فرهنگ سیاسی :

فرهنگ سیاسی مجموعه ای است از آرمانها، نگرشها و طرز برخوردهای کم و بیش ثابت درباره قدرت و سیاست که تحت تاثیر عقاید ، نهادها و ارزشها (عناصر فرهنگی) که در اجتماع شکل می گیرد و به رفتارهای سیاسی در قبال نظام جهت می دهد

## انواع فرهنگ سیاسی :

### ۱- فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال):

یعنی فرهنگی که در آن مردم در امور سیاسی جامعه مشارکت فعالانه ای از خود نشان می دهند و نسبت به حق شهروندی خود آگاهند، نظام سیاسی خود را قبول دارند در تصمیم سازی ایفای نقش می کنند از مسائل سیاسی جامعه آگاهند و می توانند، تقاضای سیاسی خود را مطرح سازند و از رهبران سیاسی خود حمایت می کنند .

### ۲- فرهنگ سیاسی تبعی (منفعلا نه ، اطاعتی):

در این نوع فرهنگ سیاسی هرچند مردم خود را شهروند می دانند و نسبت به مسائل سیاسی جامعه آگاهی دارند اما مشارکت آنان در سیاست انفعالی است ، نظام سیاسی کشور را خیلی نمی پسندند ، احساس تکلیف سیاسی و تعهد نسبت به دخالت در امور نظام سیاسی خود ندارند ، احساس می کنند که در تصمیم سازیهای کلان دخالتی ندارند و در مراکز قدرت تاثیری ندارند اطاعت آنان از

مقامات حکومتی و مشارکت در انتخابات و فرایند سیاسی منفعلانه است، این فرهنگ ویژه جوامع سنتی، الیگارشسی و سلطنتی است .

۳- فرهنگ سیاسی محدود ( بسته):

در جوامعی که از این فرهنگ برخوردارند ، افراد نسبت به حقوق شهروندی خود آگاه نیستند و به دخالت در سیاست علاقه ای ندارند حتی خود را عضو جامعه نمی دانند بنابراین به طور کلی از سیاست و حکومت بی اطلاع بوده و فقط درگیر خانواده و امرارمعاش خود هستند.

این نوع فرهنگ سیاسی را قبیله ای نیز می گویند. و به افراد دارای این نوع فرهنگ که مخصوص جوامع عقب مانده سیاسی هستند کوچک اندیش می گویند.

معضلات فرهنگ سیاسی

• ۱- سکوت مطلق در برابر تمام سیاستگذاریهای اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی دولت (نظام):

به قصد اجتناب از هرگونه تشنج و درگیری فردی و اجتماعی از ترس موقعیت شغلی ، اجتماعی و غیره به منظور کسب آرامش در زندگی در برابر سیاستگذاریهای مختلف سکوت مطلق اختیار می کنند. اینگونه افراد حتی فردی درستکار، متدین و مقبول هستند ولی حاضر نیستند آرامش خود را از دست بدهند، سکوت مطلق بهترین روش و راه رسیدن به آرامش است

• ۲- عدم اظهار نظر موضع گیرانه (صریح) هنگامی که حقی یا باطلی آشکار شده است :

این شیوه رفتاری نوعاً به امید کسب مقام یا منصبی میانی و شهرتی نسبی صورت می پذیرد.

اینگونه افراد الزاماً دلیل و ترسو نیستند بلکه افراد با تجربه و آگاه هم هستند که در اظهار نظرشان همگی حساب و کتاب خاصی دارند در جاییکه بدانند که اظهار نظرشان هرچند حق و درست باشد به کس بر می خورد اظهار نظر نمی کنند ویا به صورت زیرکانه و محتاطانه اظهار نظر می کنند تا به طرفین (کسی) بر نخورد، ولی در جایی که اظهار نظر آنها به کسی بر نخورد بسیار دقیق و کارشناسانه نظرمی دهند.

• ۳- دم فرو بستن به هر نوع انتقادی از تمام صاحبان قدرت و تمام سیاستهای آنها :

همزمان با حمایت از برخی صاحبان قدرت و سیاستهای آنها همچون سخنرانی ، مقاله نویسی و شرکت در محافل سیاسی آنها اینگونه افراد بدون اینکه عداوت یا کینه توزی اشخاص صاحب منصب و قدرتمند را برانگیزند به عضویت شبکه های قدرت و ثروت در می آیند و از مواهب این عضویت بهره مند می شود( استفاده از بیت المال و ...) از تعقیب و مجازات قضایی نیز گاهاً مصونیت پیدا می کنند البته این مصونیت هم به میزان تقرب و نزدیکی به افراد صاحب منصب و صاحب قدرت متفاوت است.

• ۴- موضعگیری نسبت به برخی سیاستها و سیاستمداران گروه مخالف و همزمان موضع گیری نسبت به سیاستها و سیاستمدارانی که همدست و هم رانت اند البته این موضع گیری حالات گوناگون دارد :

الف) سکوت در برابر سیاستهای گروه مخالف با اینکه می داند سیاستهای آنها صحیح و حق است و همزمان سکوت در برابر سیاستهای سیاستمداران هم خط و هم رانت با اینکه می داند سیاستهای آنها نادرست است .

ب) سکوت در برابر سیاستهای گروه مخالف ، در حالیکه سیاستهای آنها را حق و صحیح می داند همزمان حمایت از سیاستمداران هم خط و هم رانت با علم بر اینکه سیاستهایشان نادرست و باطل است .

ج) اعتراض و انتقاد از سیاستها و اقدامات گروه مخالف با اینکه می داند سیاستهای آنها صحیح و حق است و همزمان سکوت در برابر سیاستها و اقدامات سیاستمداران هم رانتی و هم خطی با علم به نادرستی و باطلی آنها .

د) اعتراض و انتقاد از اقدامات و سیاستهای گروه مخالف در حالیکه آن سیاستها را حق و درست می داند همزمان حمایت و تحسین از سیاستها و اقدامات سیاستمداران هم خطی با علم به نادرستی و باطل بودن آن سیاستها .

اینگونه افراد چون آگاهانه و عامدانه اقدام می کنند هزینه های بسیار سنگینی به فرهنگ سیاسی و نظام تحمیل می کنند و با رویکرد منافقانه در دل به ریش افراد و رجال پاک و مخلص می خندند.

• ۵- عبارت است از وضعیت عموم احزاب سیاسی که غالباً نه اساسنامه ای دارند و نه هویت مستقل و اصول مشخصی دارند توان عضوگیری از آحاد مردم جامعه را ندارند چنانچه به ندرت هم عضوگیری کنند توان هدایت و آموزش و کنترل آنان را ندارند .

این احزاب معمولاً در زمان انتخابات با جمع شدن چند شخصیت شناخته شده ( به صورت قارچی) به وجود می آید هرچند گاهاً تاثیراتی هم می گذارند ولی به دلیل عدم پشتوانه اعتقادی، مردمی و اجتماعی بعد از انتخابات از بین رفته و یا نقش آنچنانی ایفا نمی کنند

- ۶- معضل بسیار بزرگ فرهنگ سیاسی عبارت است از حفاظت و حراست از شهرت و حیثیت رجال سیاسی با سابقه و سمت‌هایی در مناصب عالی نظام سیاسی، پس از مشاهده فساد یا انحرافات در آنها و سرکوب کردن فرد یا افراد افشا کننده ابتدایی رسوایی به بهانه اینکه فساد یا انحراف صاحب منصب و رجل معروف باعث بی اعتباری و رسوایی نظام حکومتی می شود (گره زدن آبرو و حیثیت نظام با آبرو و حیثیت افراد صاحب منصب).

## سیاست فرهنگی:

سیاست فرهنگی: مجموعه مداخلاتی که سازمانها اعم از دولتی، خصوصی و مدنی برای تغییر در روند حرکت یک جامعه یا ملت انجام می دهند تا بتوانند یک نظم نهادین متناسب با اهداف مشخص ایجاد کنند به عبارت دیگر اصول و ارزش‌هایی که موجودات اجتماعی را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می کند.

واژه سیاست فرهنگی چیست؟

سیاست فرهنگی " به طور عام بر ارزش‌ها و اصولی که موجودات اجتماعی را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می کند، اطلاق می شود.

## سیاست فرهنگی

- ۱. سیاست فرهنگی به مرور روشن تر می شود.
- ۲. سیاست فرهنگی با وضع قانون نسبت دارد.
- ۳. لوایح قانونی فرهنگی می تواند در جهت نگهداری و ارتقاء هرچه بیشتر میراث فرهنگی کشور اقدام کند.
- ۴. سازمان‌هایی که در جهت سیاست فرهنگی حرکت می کنند عبارتند از: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون‌های فرهنگی مجلس و دولت، وزارت جوانان و ورزش، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، سازمان میراث فرهنگی.
- ۵. میراث فرهنگی زیر نظر دولت، اداراتی دارد که وظیفه سیاست فرهنگی را در کشور بر عهده دارند.
- ۶. ارگان‌های دولتی از جمله انجمن‌ها به مساله سیاست فرهنگی می پردازند.

- ۷. سیاست فرهنگی: شیوه های بنیادین جهت انجام و مدیریت تعهدات فرهنگی و بخش مهمی از قانون گذاری را در هر کشور بر عهده دارد.
- ۸. هدف از سیاست فرهنگی برطرف نمودن نیازهای فرهنگی مردم است.
- ۹. مهمترین اقدام سیاست فرهنگی، آموزش است.
- ۱۰. رشد و توسعه ادبیات و هنرهای کشور بخشی از رشد و توسعه فرهنگی محسوب می شود.
- ۱۱. اعطای جوایز به آثار نقد ادبی و پیشنهادها
- ۱۲. اکتشاف، حفاظت، نگهداری از میراث فرهنگی جزو سیاست های فرهنگی یک کشور به شمار می رود.
- ۱۳. تجارت فرهنگی و رونق آن بخشی از سیاست فرهنگی است. تئاتر، نمایشگاه، سینما، موسیقی و ...
- ۱۴. گسترش مطبوعات نیز بخشی از سیاست فرهنگی است.
- ۱۵. روابط بین المللی فرهنگی، توسط سیاست فرهنگی تنظیم می شود. اینکه چه چیزی را بگیریم و چه چیز را نه.
- ۱۶. سیاست های اقتصادی در حوزه سیاست فرهنگی اعمال می شود. و می تواند اثرگذار باشد:
- الف. تقویت زیرساخت های فرهنگی
- ب. راه اندازی سیستم کارآمد جمع آوری و تهیه بودجه
- ج. افزایش سرمایه گذاری حوزه فعالیت های هنری
- د. سیاست های کارآمد برای معافیت های مالیاتی حوزه فرهنگ
- ۱۷. پروژه های فرهنگی ناشی از سیاست های فرهنگی یک کشور است.
- ۱۸. اینترنت، تئاتر، سینما، دایره المعارف ها، ادبیات کودکان، سایت های فرهنگی
- ۱۹. سیاست فرهنگی در واقع همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهمترین اصول و اولویت های لازم الرعایه در حرکت های فرهنگی است.
- ۲۰. سیاست فرهنگی را می توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علایم و نشانه هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می دهد.

- ۲۱. سیاست فرهنگی معاهده ای است که سلسله ای از اصول و فروع یک حرکت فرهنگی را رسمیت می دهد و همفکری و همجهتی را با همکاری و هماهنگی توأم می کند.
- ۲۲. سیاست فرهنگی میثاقی است از آرمان ها، اعتقادات، ناظر بر تجربه ها و واقعیت محدود به ظرفیت ها، امکانات، توجه به آینده و اهداف بعید و قریب در ظل قانون اساسی قرار دارد.
- ۲۳. سیاست های فرهنگی حفظ و به دست آوردن فرهنگ را تسهیل می کنند.
- ۲۴. اعطای یارانه های فرهنگی بر اساس سیاست های فرهنگی صورت می گیرد.
- ۲۵. آگوستین گیرارد: توسعه فرهنگی: تجربه ها و سیاست ها
- ۲۶. سیاست فرهنگی یک سیاست، نظامی غایی از اهداف، مقاصد عملی و شیوه هایی است که توسط یک گروه دنبال می شود و به وسیله یک سازمان اعمال می گردد. سیاست های فرهنگی در یک اتحادیه صنفی، یک حزب، یک نهضت آموزشی، یک شرکت، یک شهر یا یک دولت قابل تشخیص است.
- ۲۷. حقوق فرهنگی از مبانی سیاست فرهنگی است.

#### سطوح سیاست فرهنگی :

- ۱- (سطح مصوب) : که در قالب قانون اساسی و قوانینی است که از سوی نهادها به تصویب می رسد
  - ۲- (سطح محقق) : برنامه هایی است که دستگاههای اجرایی ، سازمانهای خصوصی و دولتی اجرا می کنند .
  - ۳- (سطح مجرب یا تجربه شده) : آن چیزی است که مردم عملاً دریافت می کنند و به آن شکل میدهند .
  - در گروه یا جوامع با ساختار دموکراتیک این سه سطح همپوشانی دارند در حالیکه در ساختارهای غیر دموکراتیک این همپوشانی دیده نمی شود .
  - در دموکراسی فرهنگی ( دموکراتیک کردن فرهنگ) مردم به جای اینکه تنها مصرف کنندگان فرهنگ باشند به عنوان مولدان و تولیدکنندگان ایفای نقش می کنند
- ژئوکالچر (جغرافیایی فرهنگی) :



(ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر):

ژئوکالچر هر جامعه و کشور در مرحله اول در محدوده جغرافیایی آن جامعه یا کشور مصداق داشته و به فعالیت می پردازد .

در مرحله دوم سعی در خارج شدن از محدوده جغرافیایی خود داشته و دامنه فعالیت خود را به سایر جوامع و کشورها گسترش می دهد .

از ویژگی های هر فرهنگ اینست که معمولاً خود را فرهنگ برتر دانسته و برای اینکه جهانی شود از هیچ گونه کوشش و تلاشی فروگذار نیست

اصطلاح فولکلور از دو واژه فولک به معنای مردم ، گروه ، طبقه ولور به معنای دانش تشکیل شده است .

فرهنگ عامه اصطلاحی کلی است برای جنبه هایی از فرهنگ بشری که از طریق شفاهی ، مشاهده ، تجربه و تقلید به زندگی مردم منتقل می شود . مردم معمولاً در ساختار فرهنگی سهیم هستند که شناخت آن از طریق زبان رایج ، انواع پیشه ها ، پیوستگی نژاد ها ، دوره های تاریخی یا محیط جغرافیایی میسر می شود . اشکال و پیکره ی سنت ها ، آیین ها و رسوم در جامعه باقی می ماند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود آداب و رسومی که در یک منطقه خاص مورد استفاده قرار می گیرد و در نقاط دیگر رایج نیست "فولکلور " نامیده می شود که برای مردم آن منطقه " سنت " و برای مردم سایر نقاط کشور (جهان) فولکلور می باشد.

این اصطلاح را اولین بار ویلیام جان تامس انگلیسی در سال ۱۸۴۶ میلادی به جای باستان شناسی عمومی به کاربرد : که به نحوه ی زندگی انسان ها ، در طبیعت ، رفتارها و هم چنین به معنای مشترکی گفته میشود که عامه مردم جامعه در زندگی روزمره با آن سروکار دارند .

از قرن ها پیش در اروپا عده ای از دانشمندان و نویسندگان در کنار ادبیات رسمی ، به منظور سرگرمی ، بخش های گوناگون ادبیات عامه را جمع آوری کردند .

در قرن شانزدهم نویسنده ی ایتالیایی " تابورو " مجموعه ای از قصه های خنده دار و دور از ادب را منتشر کرد که منابع آنها ادبیات شفاهی بود.

از اوایل قرن نوزدهم ، کم کم مطالعه ی فولکلور جنبه علمی یافت ، به این معنا که تحقیق درباره ی معتقدات و ادبیات شفاهی و اعمال و رفتار توده ی مردم نه به منظور تجویز یا تحریم آن بلکه با هدف شناخت واقعیت های اجتماعی مطرح شد .

### نخستین پژوهش گران فرهنگ عامه در ایران

آقا جمال خوانساری باورهای زنان عصر صفویه را ، که حاوی آداب و رسوم و باورهای آنان است در کتاب کلثوم ننه یا عقاید النساء جمع آوری کرد .

همچنین در این دوره میرزا حبیب اصفهانی به ثبت پاره ای از لغات کوچه و بازاری و اصطلاحات عامیانه ی میان مردم همت گماشت .

بعدها علی هانیبال به گردآوری منظم بازی بچه ها ، باورها ، لالایی ها و ترانه های عامیانه پرداخت و تا حدیروش تحقیق در فولکلور را ارائه کرد .

علی اکبر دهخدا ، صادق هدایت ، محمدجعفر محجوب ، کوهی کرمانی ، ملک الشعرا بهار نیز از جمله کسانی هستند که کتاب و مقالات ارزشمندی در زمینه فولکلور نوشته اند .

اما واژه فرهنگ عامه با فولکلور را در ایران نخست رشید یاسمی با ارائه مقاله ای در قالب سخنرانی در سال ۱۳۱۵ شمسی در دانشگاه تهران مطرح کرد .

از نظر وی ، علم فولکلور ثابت کرد که در میان توده هم علم هست . با این معنی که دانش معینی وجود دارد که مبادی و مسائل آن از توده ی خلق گرفته می شود . هرچند عموم مردم به ترتیب علمی در آن وارد نباشند.

پیشینه تاریخی فولکلور در ایران :

- (۱) دسته ای از مفاهیم فولکلوریک از دوران پیش از اسلام وجود داشته که گاه به صورت های دیگر از سنت اسلام جلوه گر شده اند و برخی جشن ها و آیین های ملی نیز با همان اصالت باستانی خود هنوز در میان مردم زنده اند .

• ۲) دسته ی دیگر آنهایی هستند که ریشه اسلامی دارند و گاه بارنگ اسلامی و زمانی با رنگ و بوی ملیت و هویت ایرانی آشکار می شوند .

• ۳) دسته سوم مجموع اعتقادات ، باورها و موهوماتی است که ظاهراً ریشه ملی یا دینی ندارند، بلکه باید مبدأ آنها را ترس انسان از طبیعت و نیروهای آن یا بیم از بیماری، مرگ و حوادث گوناگون دانست.

منابع و انواع فولکلور:

مطالعات فرهنگ عامه را به طور کلی در پنج بخش می توان تقسیم کرد :

۱) اعتقادات و باورها : عقاید مردم تعیین کننده ی نوع رفتار و کردار آنهاست . این عقاید معمولاً به جهان بینی دستگاہ فکری ، مکتب ها و یا مذاهب مربوط می شوند و از طریق آنها می توان درباره ی انواع اعتقادات اسلامی ، مسیحی و ... مطالعه کرد . یکی از علل وجود فولکلور را می توان کنجکاوی انسان درباره ی پیدای جهان هستی دانست . بدین ترتیب که انسان چون نمی توانست پاسخی علمی برای کنجکاوی خود بیابد به اسطوره ، که بخش عمده ای از ادبیات شفاهی ملت ها بدان اختصاص دارد پناه می برد.

غالباً در زبان و ادبیات آثاری از فولکلور و به اصطلاح فسیل آنها ، به جا مانده و خود اسطوره ها از میان رفته اند و محقق فرهنگ عامه ( فولکلور ) باید با بررسی تغییرات آنها طی قرون ، اعتقاد مردم را درباره ی وقایع اصلی و تاریخی شان بیابد.

۲) سنت ها : سنت ها را می توان در انواع جشن ها و آیین ها ، بازی ها ، پخت و پزها ، لباس محلی ، انواع میهمانی و مراسم تعزیه و سوگواری مشاهده کرد . اعیاد و جشن های ملی و مذهبی ، ایام مهم مربوط به وقایع مهم ، ایام شهادت پیشوایان مذهبی و شخصیت های ملی ، ارائه خدمات مهم مذهبی و ... را می توان مربوط به سنت ها دانست.

۳) روایت : روایت یا روایات را میتوان به احادیث دینی اطلاق کرد . هم چنین در معنی کلی ، اشعاری که طی آنها داستانی بیان می شود ، افسانه ها ، قصص و حکایات را میتوان از مقوله ی روایات دانست . روایات ادبی به نظم یا به نثر ، که شفاهی در جهان گسترش می یابد ، از اشکال روایت است . مردم نوعاً بهترین روایات شفاهی را می شنوند و بهترین آنها را بخاطر می سپارند و باز بهترین محفوظات را برای دیگران نقل می کنند و به این ترتیب در گزینش روایت پیوسته پیرایش و پالایش صورت می پذیرد . در هر حال ویژگی اساسی روایات و داستان های عامیانه ، انتشار آن هاست و این که از نسلی به نسل دیگر و از فرهنگی به فرهنگی دیگر به طریق شفاهی انتقال می یابند . بخش مهمی از داستان های عامیانه روایات حماسی و افسانه ها و داستان های پریان است که گاهی هم در یکدیگر ادغام می شوند.

۴) گفتارهای عامیانه : به ضرب المثل ها ، اصطلاحات زبانی و اشعار ساده و موزون ، گفتارهای زیبا و افسون گرانه ، معما یا چیستان مربوط می شود . یکی از مهمترین منابع ضرب المثل ها ، کتب مقدس مذهبی در عهد عتیق است همچنین در قرآن کریم مثل های فراوانی بیان شده است ، مهمترین راه پیوند و ارتباط انسان ها با یک دیگر زبان است زبان اصطلاحات و ضرب المثل ها تفهیم و تفاهم را بسیار آسان می کند.

۵- هنرهای عامه : هنر مربوط به فرهنگ عامه هنر انضمامی است و کمتر انتزاع در آن راه دارد .

هنر عامه در تاروپود اجتماع تنیده است . هنر پایبند به فرهنگ مردم ، وقف زندگی مردم است و هنرمند پایبند به فرهنگ عامه با هنرش در مراسم جشن و سرور و سوگ و عزا شرکت می کند .

هنر مردمی یعنی هنری که از زندگی مردم جدا نیست بلکه بافته شده در متن اصلی زندگی آنهاست.

قلم زنی ، نقاشی ، سوزن دوزی ، گل دوزی ، ساخت ظروف تزئینی غذا آثار دست ساز صنعت گران و هنرمندان از هنرهای عامیانه بشمار می آیند . سازندگان آثار یاد شده اغلب بی نام و نشان و یا گمنام اند . یعنی کسانی هستند که تحصیلات علمی در دانشگاه ها را ندارند.

عوامل موثر در فولکلور ( فرهنگ عامه )

الف ( تکنولوژی : در پی انقلاب صنعتی برخی از سنت ها و نهادهای کهن ( روستاها ) به هم ریخت و در فرهنگ عامه تاثیر بسزایی گذاشت .

ب ( وضعیت جغرافیایی : مثلا آب و ارزش های آن در زندگی کشاورزی باعث می شود که در مناطق خشک و کم آب ، جشن ها و مراسمی برای باران خواهی و ... برگزار شود .

ج) افکار و اعتقادات دینی :

این اعتقادات در خلق برخی از مفاهیم فولکلوریک موثر است

د) معیشت : یکی دیگر از عوامل موثر در فرهنگ عامه نظامهای معیشتی است . در نظام کشاورزی زمین و آب اهمیت دوچندان دارد . مراسم ویژه مثل جشن های بهار ، پاییز و پایکوبی به هنگام بذرافشانی و ... برپا می شود .

ویژگیهای اقوام ایرانی :

## ۱- عدم مهاجربودن اقوام ایرانی :

در بررسی های پژوهشگران غربی، تحقیقات قومی معطوف به مهاجران به یک سرزمین در برابر شهروندان بومی است. ایتالیایی ها، سیاهان، چینی تبارها و عرب ها از جمله قومیت های مورد پژوهش غربی ها هستند. مدت اسکان این مهاجران در جامعه جدید معمولاً از چند سال و حداکثر چند دهه فراتر نمی رود، در حالی که تمامی گروه های قومی، مذهبی و زبانی ساکن ایران صدها و بعضاً هزاران سال است که مانند سایر ایرانیان در این سرزمین زیسته اند و نه تنها مهاجر تلقی نمی شوند، بلکه وارثان تاریخی ایران هستند.

۲- افزوده نشدن به قومیت ها در اثر کشورگشایی:

واقعیت های تاریخی نشان می دهد هیچ کدام از اقوام ساکن ایران در طول تاریخ بر اساس کشورگشایی به ایران اضافه نشده اند و اغلب مهاجران بیرونی در فرهنگ غنی و ژرف ایران اسلامی مستحیل شده اند، در حالی که در بسیاری از کشورهای دارا مسائل حاد قومی این وضعیت وجود دارد.

۳- برخورداری از مشترکات تاریخی کهن:

اکثریت قابل توجه ایرانیان در دین اسلام، در ادب و رسوم فرهنگی دارای مشترکات تاریخی کهن بوده و در طول تاریخ همزیستی مسالمت آمیزی کنار هم داشته اند. ادبیات و آموزه های ادب ایرانی در اشعار شعرای فرزانه ای مانند: مولوی، حافظ، سعدی، فردوسی، رودکی، صائب تبریزی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، ابن سینا، سید محمد حسین شهریار و گلشن کردستانی مشحون از مفاهیم و ارزش های مشترک بزرگ و محور ایرانی بودن است و پایه های ملیت ایرانی و زبان فارسی صرف نظر از گویش ها و لهجه های مختلف و زبان های دیگر و اسلام و مذاهب مختلف بر مبنای تساهل فرهنگ ایرانی تشکیل شده است، به نحوی که اقلیت ها هرگز احساس ناامنی نکرده اند. فرهنگ ایرانی سخنگویانی داشته که همه مردم ایران را از هر قومیت و هر ناحیه ای برسریک سفره معنوی نشانده است و آنان را بهره مند کرده است.

۴- عدم گسست وحدت ملی:

واقعیت ها نشان می دهد تفاوت های زبانی، مذهبی و حتی اقوام ایرانی موجب گسست همبستگی ملی نبوده است و همه اقوام ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی با اشکال مختلف به ایرانی بودن خود افتخار کرده اند که یکی از شکوهمندترین صحنه های آن حضور فراگیر اقوام مختلف ایرانی و پیروان ادیان و مذاهب مختلف در جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس و تقدیم شهدای فراوان به جمهوری اسلامی ایران بود.

بنابراین، آذری بودن، بلوچ بودن، کردبودن، عرب بودن، لر بودن و گیلک بودن یا شیعه و سنی بودن در فضای ایران هرگز تقابلی با ایرانی بودن نداشته است و به قول " ریچارد کاتم ": نه تنها مردم مناطق مختلف ایران با زبان و گویش های متفاوت هویت خود را با تاریخ مشترک و واحد ایرانی بودن پیوند زده اند، بلکه حتی مردم ترک زبان آذربایجان، سرزمین خود را یکی از مهمترین گاهواره های تمدن ایرانی می دانند و بسیاری از دانشمندان، علما و فقها و شخصیت های بزرگ فرهنگی، علمی و ادبی ایران از منطقه آذربایجان بوده اند که خدمات برجسته ای در شکوفایی تمدن ایرانی - اسلامی داشته اند.

۵ شکل گیری ملت در ایران قبل از ظهور ناسیونالیسم:

مطالعات پژوهشگران نشان می دهد که ایران سرزمینی دارای ویژگی های منحصر به فرد است که یکی از این ویژگی های اختصاصی اش مقوله شکل گیری ملت در ایران قبل از پدیده ناسیونالیسم مدرن اروپایی است و ایران از جمله کشورهای نادری است که در آن برخلاف اروپا، ملت پیش از دوران مدرن شکل گرفته است و به همین دلیل از آن به عنوان ملت های پیش از ملی گرایی نام برده شده است.

ظرفیت های حقوقی شایان توجه، بررسی سیاست های موجود در خصوص تنوعات قومی، اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران توجه به دو موضوع حائز اهمیت است .

اول) مبانی حقوقی مشتمل بر قانون اساسی ، آئین نامه ها و بخشنامه ها که این بخش توسط مراکز اصلی و کانون های حاکمیت و قدرت اعمال می شود و جنبه پایدارتری دارد.

دوم) رفتار واکنش های عینی و بروز یافته در میان گروه های اجتماعی و قومی یکه این حوزه را می توان عرصه رفتاری نامید.

تنوع قومی و تهدیدات امنیتی

موضوع تنوع در متن ژئوپلیتیک ایران، در عین حال که فرصت های توسعه کشور را فراهم می سازد، می تواند منبعی برای تهدید امنیت ملی کشور باشد. در این بخش منابع تهدید از سوی اقوام علیه امنیت ملی کشور در سه حوزه بررسی شده است

۱-مرزنشینی :

جایگاه جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده تر کرده است. اقوام گوناگون و اقلیت های مذهبی در مهم ترین حوزه های راهبردی کشور و جداره های مرزی اسکان شده اند که عقبه آنها در

ورای مرزها و خارج از حوزه نفوذ و اثر گذاری حاکمیت ملی قرار دارد. از این منظر، به لحاظ ارتباط و پیوند این حوزه ها با خارج از مرزها، هر گونه بحران بیرونی به سادگی به داخل مرزها گسترش می یابد و امکان نظارت حاکمیت ملی بر این حوزه ها به شدت کاهش پیدا می کند. در وضع جدید، بخشی از اقوام کرد، ترک، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آنها در مناطق همجوار دیگر کشورها اسکان یافته اند. وجود این اقوام در همسایگی ایران، هر چند می تواند سبب نفوذ فرهنگی ایران شود، در چرخه ای معیوب می تواند به مداخله بیگانگان در حوزه داخلی ایران منجر شود.

معمولاً افکار و رفتار ناسیونالیستی و تجزیه طلبی از همین مناطق وارد می شود. برای نمونه می توان به محل استقرار گروه های تجزیه طلب، مثل حزب منحل دموکرات در مناطق کردنشین شمال عراق، جنبش ملی بلوچستان ایران معروف به جمبا در بلوچستان پاکستان، جنبش خلق عرب در عراق و پان ترکیست ها در جمهوری آذربایجان و ترکیه اشاره کرد. از سوی دیگر وجود گسل های فعال منازعه قومی و مذهبی در جداره های همسایگان ایران، نظیر هندوستان، گرجستان، روسیه، لبنان، فلسطین اشغالی و دیگر نقاط خاورمیانه، امکان بروز تهدیدات قومی را فعال می سازد.

## ۲- مداخله بیگانگان :

مسئله تنوع و تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف استعماری بیگانگان همراه می شود به منبعی برای تهدید امنیت ملی کشور تبدیل می گردد. ورود عوامل بیگانه به ساخت سیاسی کشور با ابزار ناهمگونی اقوام و اقلیت های قومی و مذهبی به سادگی انجام می شود. در تاریخ معاصر ایران، نمونه هایی از رد پای حضور فتنه انگیزانه بیگانگان را در آشوب های قومی نظیر بحران آذربایجان، کردستان، غائله شیخ خزعل و... به خوبی می توان مشاهده نمود .

## ۳- تراکم شکاف قومی - مذهبی و زبانی:

تعارضات متنوع موجود میان گروه های قومی یا موازی شدن شکاف های قومی با شکاف های مذهبی و زبانی تأثیر بسزایی در میزان ثبات یا بی ثباتی کشور دارد.

این تراکم شکاف های قومی - مذهبی ممکن است متقاطع یا متوازی باشند و به باز تولید ناامنی و تهدیدزایی اقوام علیه امنیت ملی کشور منجر گردند، ضمن اینکه نیروی بالقوه تهدیدات ناشی از شکاف تراکم قومی در اکثر مناطق قومی نشین کشور با ترکیبی از تضادهای قومی، نژادی، زبانی و مذهبی همراه است که در صورت فعال شدن این تضادها و تراکم شکاف ها، ناامنی و بی ثباتی وسیعی امنیت کشور را تهدید خواهد کرد.